



کودکان و نوجوانان توس، در تابستان با هنرهای تجسمی، بیش از گذشته با حماسه فردوسی آشنا می شوند

مجسمه ها، روایت بچه ها از شاهنامه

اودر ادامه، این گونه از مهم ترین آموزه کلاس های مجسمه سازی در آرامگاه فردوسی می گوید: مریبان شاهنامه آرامگاه در دوره های مختلف به ما آموخته اند که انجام کارهای تجسمی درباره شاهنامه، چند برابر شنیدن شعرهای شاهنامه، حس تعلق ایجاد می کند. حالا که خودم این روزها مجسمه سازی می کنم، این موضوع را بیشتر و بهتر درک می کنم. مثلاً با ساخت گزوقتی آن را در دستم گرفتم و به آن نگاه کردم، خودم را در میان میدان نبرد تصور کردم که برایم جالب بود.

● **مجسمه هایی که به چشم گردشگران می آید**
خیلی از پدر و مادرها هم که این روزها در کنار بچه ها هستند، از دیدن مجسمه ها لذت می برند. فرشته پاکیزه که از اهالی محله چهاربرج است، می گوید: من امروز با دخترم، فرانک به اینجا آمدم و از دیدن کارهایش تعجب کردم. فکر نمی کردم در سه چهار هفته یاد بگیرد چنین مجسمه هایی بسازد. به نظرم برگزاری این دوره علاوه بر آشناکردن بچه ها با داستان های شاهنامه به دست ورزی و افزایش اعتماد به نفس آن ها کمک می کند. علاوه بر والدینی که برخی روزها در کنار بچه ها حاضرند، بسیاری از بازدیدکنندگان آرامگاه هم در این فضای باز به تماشای آثار تولیدی بچه ها می نشینند. مریم غفاری مسافری از فومن گیلان است که به تماشای مجسمه سازی بچه ها ایستاده است. او می گوید: کاری که انجام می شود، برایم جالب است. به نظرم آشنایی بچه ها با شاهنامه، ارزشمند است. در کنار مجسمه سازی دیدم که بچه ها زیرلب شعرهای شاهنامه را هم می خوانند که نشان از یادگیری و کار مفهومی دارد.

می شوند که قدم دیگری در راستای آشنایی بیشتر بچه های توس با هویت کهن تاریخی و فرهنگی این خطه است.

● حس تعلق به شاهنامه، با کارهای تجسمی

دختران و پسران زیادی از اهالی محله های فردوسی، چهاربرج و کلاته برقی، این روزها در آرامگاه فردوسی مشق حماسه می کنند. ریحانه قاضی پوریکی از این نوجوان پرشور و اشتیاق است.

او در سه جلسه از برنامه های مجسمه سازی گلی، حاضر بوده و تاکنون گرز، کلاه خود و شمشیر درست کرده است. ریحانه خانم که در دو سال اخیر، شیفته شعرها و داستان های فردوسی شده است، می گوید: من سال گذشته در کلاس های نقالی حاضر شدم و از آن زمان به بعد سعی کرده ام به شکل های مختلف، با داستان های شاهنامه در ارتباط باشم.

مصطفی بهشتی یکی از بچه هامشغول ساختن شاخ برای مجسمه اژدهاست، در گوشه دیگری از میز پسر بچه ای دارد مجسمه گلی یک اسب را درست می کند و نفر بعدی هم تلاش می کند یک سپر بسازد. اینجا بچه ها هر چه را از شاهنامه و داستان هایش یاد گرفته اند، تبدیل به مجسمه می کنند و این گونه است که روی میز مجسمه سازی کانون پرورش فکری آرامگاه فردوسی پر شده است از مجسمه هایی که ساخت دست کودکان و نوجوانان توس است. این دوره در تابستان ۱۴۰۵، برنامه خوبی برای اوقات فراغت بچه ها است و بیش از شصت کودک و نوجوان در روزهای هفته دور این میز جمع می شوند.

● قدمی دیگر برای پیوند با تاریخ توس

کودکان و نوجوانان توس از ابتدای تابستان در جلسات مختلف آشنایی با شاهنامه و هنرهای تجسمی حاضر می شوند و از هفته دوم این برنامه، جلسات مجسمه سازی هم به آن اضافه شده است. در این دوره ویژه، کودکان با توجه به میزان آشنایی ای که با داستان های شاهنامه دارند، مجسمه های گلی مرتبط با داستان ها را می سازند. مدیر آرامگاه فردوسی در این باره توضیح می دهد: از سال گذشته رویداد فرهنگی و آموزش تابستانه را در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان آرامگاه فردوسی آغاز کردیم. در این مدت تلاش شده است که میزان آشنایی بچه های توس با حکیم ابوالقاسم فردوسی و داستان های شاهنامه افزایش یابد. رضا یوسفی ادامه می دهد: امسال دوره رایگان مجسمه سازی هم اضافه شده است و بچه ها با سرگرمی ای متفاوت و بانگاهی زیبا به این کار سرگرم



داستان علاقه مندی نوجوان موفق محله دانش آموز به موسیقی که دو نسل را به هم نزدیک کرد

کوک رؤیای آتنا با دوتار مادر بزرگ

● **چند مقام استانی و کشوری داری؟**

در اجراهای گروهی در سه جشنواره مقام اول کشوری را کسب کردیم و من هم به عنوان نوازنده دوتار در آنجا حضور داشتم. در جشنواره امسال، سرگروه بخش دوتار گروهمان بودم. در چهل و چهارمین جشنواره هنری آموزش و پرورش کشور که سال گذشته برگزار شد، در بخش اجرای تک نوازی شرکت کردم و مقام دوم استانی را به دست آوردم.

● **از درس و مدرسه بگو.**

اولویت من همیشه درس و مدرسه بوده و هست. معدل کمتر از ۲۰ نداشته ام و موسیقی را در اوقات فراغت دنبال می کنم.

● **بهترین تفریح چیست؟**

بهترین تفریح من، نواختن ساز است. حتی در دوره های بادی و استانبول که بیشتر نوازنده و اهل موسیقی هستند، سازهایمان را همراه داریم و ساز به بخشی از روزمرگی هایمان تبدیل شده است.

● **محل زندگی و مدرسه چقدر در موفقیت های هنری تو مؤثر بوده است؟**

همیشه می گویم اگر من در مدرسه شاهد وصال درس نمی خواندم و با مربی موسیقی این مدرسه آشنا نمی شدم، شاید در این هنر تا این درجه پیشرفت نمی کردم. تشویق ها و حمایت های مدیریت و مربی پرورشی و گروه سرود خوبی که مربی آن خانم میرزایی است و موفقیت در جشنواره ها در این مسیر برای من بسیار انگیزه بخش بوده است.

● **نخستین حضور جدی در جشنواره**

موسیقی چه زمان بود و چه مقامی کسب کردی؟
کلاس پنجم دبستان در جشنواره فرهنگی هنری که از طرف آموزش و پرورش برگزار شد، شرکت ورته بود که آن رقابت ها را در سطح ناحیه کسب کردم.

● **از حس و حالت در نخستین اجرای عمومی بگو.**

با وجود اجراهای متعدد با گروه های هم نوازی استادان موسیقی ام، چون اولین اجرای عمومی تک نوازی ام بود، به شدت استرس داشتم. تنها چیزی که در آن شرایط، آرامم کرد و به دستانم قوت داد تا صد خودم را برای اول شدن بگذارم، حضور مادر بزرگم در بین جمعیت و نگاه های پر مهرش بود.



فاطمه سیرجانی | آتنا شریفی، نوجوانی موفق از محله دانش آموز است که این روزها نامش در میان هنرمندان نوجوان شهر دیده می شود. او دانش آموز متوسطه اول شاهد وصال همین محله است و دوتار می نوازد؛ ساز محبوبی که او را به موسیقی فولکلور شمال خراسان علاقه مند کرده است. آتنا در چند سال اخیر در جشنواره های فرهنگی و هنری متعددی شرکت کرده است و چند مقام استانی و کشوری در کارنامه هنری خود دارد.

● **چه شد که به موسیقی علاقه مند شدی؟**

مادر بزرگ مادری ام بعد از نشستگی تصمیم گرفت نواختن ساز دوتار را یاد بگیرد. شاید یکی از دلایل اصلی جذب من به سمت آموزش موسیقی، دوتار نوازی مادر بزرگ و حس آرامشی بود که از شنیدن نوازی دوتار ایشان به من دست می داد.

● **اولین بار که دو تار دستت گرفتی، چند سال داشتی و آیا دوره آموزش تخصصی گذراندی؟**

حدود دوازده سالگی، نواختن دوتار را زیر نظر استاد زنگویی که دوست قدیمی پدر بزرگم بودند، در قوچان شروع کردم. بعد ها به سبب دوری راه، آموزش را با استاد امانی در مشهد ادامه دادم.